



A Critical Assessment of Scientific Interpretation of the Quran in the Indian Subcontinent *

Seyed Mojtabi Akhatar Rizvi^۱ and Mohammad Ali Rezaei Esfahani^۲

Abstract



The Interpretation of the Quran has been a focal point of attention for Muslims and even non-Muslims from the time of its revelation until the present day. Various methods and approaches have been employed by Quranic scholars. One significant approach is scientific interpretation, which, given the advancements in sciences and increasing discoveries, holds special importance in the present era. The Indian subcontinent, home to the largest Muslim population in the world and hosting a wealth of Quranic scholarship, deserves considerable attention in examining scientific interpretation, a field that has received comparatively less scrutiny. Scientific interpretation in the Indian subcontinent has experienced notable ups and downs. This paper, employing a descriptive-analytical method and relying on library sources, seeks to address the question: What are the most significant weaknesses of the scientific interpretation movement in the Indian subcontinent? The findings of this research suggest that while scientific interpretation in the Indian subcontinent has its strengths, it also carries certain weaknesses. These weaknesses include the use of unsubstantiated scientific opinions in interpretation, imposing scientific views on the Quran, attempting to extract all sciences from the Quran, restricting the meanings of the Quran, neglecting the accurate meanings of Quranic vocabulary, overlooking context, conflicting with established and certain tradition, diminishing the Quran's guiding purpose, and critiquing predecessors. The failure to observe necessary conditions for scientific interpretation and the reliance on incorrect foundations have contributed to these shortcomings..

Keywords: Quran, Scientific Interpretation, Indian Subcontinent, Critical Assessment, Shortcomings, Weak Points

*. **Date of Receiving:** ۹ January ۲۰۲۱, **Date of Approving:** ۱۰ August ۲۰۲۲.

۱. Ph.D. Graduate in Comparative Interpretation (Tafsir) from Al-Mustafa International University. Collaborating Professor in the Department of Quranic Sciences and Recitation[Corresponding Author]: (smujtabarizvi@yahoo.com).

۲. Professor and Director of the Higher Educational Complex of Quran and Hadith at Al-Mustafa International University: (rezaee.quran@gmail.com).



آسیب‌شناسی تفسیر علمی قرآن در شبه‌قاره هند*

سید مجتبی اختر رضوی^۱ و محمد علی رضایی اصفهانی^۲



چکیده

تفسیر قرآن از عصر نزول تاکنون کانون توجه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان بوده است. روش‌ها و گرایش‌های متعددی میان مفسران قرآن وجود داشته است. یکی از روش‌های مهم تفسیر قرآن، تفسیر علمی است. این روش در دوران حاضر با توجه به پیشرفت علوم و اکتشافات روزافزون دارای اهمیت ویژه‌ای است. منطقه شبه‌قاره هند با داشتن بیشترین جمعیت مسلمان در کل دنیا و با دارا بودن بیشترین آثار قرآن‌پژوهی دارای اهمیت فراوانی است، بررسی تفسیر علمی در این دیار که پیش‌تر کمتر مورد توجه بوده است، ضروری می‌نماید. تفسیر علمی در شبه‌قاره دارای فرازونشیب زیادی بوده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این مسئله است که مهم‌ترین نقاط ضعف جریان تفسیر علمی در شبه‌قاره هند کدام است؟ یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که تفسیر علمی در شبه‌قاره هند با دارا بودن نقاط قوت متعدد دارای نکات ضعفی نیز است. استفاده از نظرات علمی اثبات‌نشده در تفسیر، قراردادن علوم به‌عنوان مبنایی برای فهم آیات، تحمیل نظرات علمی بر قرآن، سعی در استخراج همه علوم از قرآن، محدودکردن معانی قرآن، غفلت از معنای صحیح مفردات قرآن، بی‌توجهی به سیاق، مخالفت با سنت قطعی، کم‌رنگ‌شدن هدف هدایتگری قرآن و عیب‌جویی از پیشینیان از مهم‌ترین آسیب‌های تفسیر علمی شبه‌قاره هند است. رعایت نکردن شرائط لازم تفسیر علمی و داشتن مبانی نادرست منجر به چنین آسیب‌هایی شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، تفسیر علمی، شبه‌قاره هند، آسیب‌شناسی، کاستی‌ها، نقاط ضعف

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹.

۱. دانش آموخته دکتری رشته تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی ص العالمیه. استاد همکار گروه علوم و فنون قرائات «نویسنده مسئول»؛ (smujtabarizvi@yahoo.com).

۲. استاد و مدیر مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی ص العالمیه؛ (rezaee.quran@gmail.com).



مقدمه

تفسیر قرآن جریانی درازدامن در گستره تاریخ اسلام است، هر مفسری با استفاده از ابزار این رشته و طبق گرایش خویش به تفسیر آیات الهی پرداخته است. تنوع در به‌کارگیری روش‌ها و همچنین تفاوت در سلیقه‌ها باعث به‌وجود آمدن روش‌ها و گرایش‌های متعدد تفسیری شده است. هر روش و منشی می‌تواند دارای نقاط مثبت و منفی باشد، همان گونه که هر تفسیری از لحاظ داشتن امتیازات و کاستی‌ها قابل ارزیابی است.

از مهمترین روش‌های تفسیر قرآن کریم که اخیراً بسیار مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، تفسیر علمی قرآن است. اهمیت پژوهش حاضر از سویی ناشی از جایگاه تفسیر علمی در دوران معاصر، و از سوی دیگر ریشه در اهمیت جایگاه جریان تفسیری در شبه‌قاره هند، به‌ویژه جایگاه تفسیر علمی در این دیار است. جریان تفسیر علمی شبه‌قاره هند که توسط سید احمد خان بنیان نهاده شد، بسیار مهم بوده و بر تفاسیر علمی سایر مناطق از جمله مصر و ایران تأثیرگذار بوده است. این مقاله به بررسی امتیازات و کاستی‌های تفسیر علمی در شبه‌قاره هند می‌پردازد. شناسایی نقاط قوت تفسیر علمی شبه‌قاره به پیشرفت و تقویت آن کمک می‌کند و بررسی نقاط ضعف در بالندگی و جبران کاستی‌های این جریان تفسیری نقش بسزایی دارد. نوشتار حاضر به طور مشخص در پی پاسخ به این سؤال است که تفسیر علمی در شبه‌قاره هند چه امتیازات و کاستی‌هایی داشته است.

پیشینه

موضوع کلی این مقاله تفسیر علمی قرآن که از سابقه طولانی مدتی در تاریخ اسلام برخوردار است، وجود اشارات ضمنی قرآن به پدیده‌های علوم مختلف، به‌ویژه علوم تجربی، پیشینه تفسیر علمی را به عصر نزول می‌رساند، برخی از احادیث نبوی نیز دربردارنده نکات علمی است. برخی از پژوهشگران آغاز تفسیر علمی را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت می‌دهند (عادل نادر علی و خدیجه عباسی، «پیشینه تفسیر علمی»، مجموعه مطالعات علم دینی، روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن کریم، مبانی و اصول، ۱۳۸۹: ۱۱۳)، برخی از نویسندگان مقالاتی درباره روش تفسیر علمی در روایات ائمه معصومین علیهم السلام به رشته تحریر درآورده اند، مانند مقاله «جایگاه روش تفسیر علمی در روایات امام صادق (ع.ک: رفیعی و همکاران، مجله قرآن و علم، ش ۲۶). در مقابل گروهی رواج این شیوه تفسیری را در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله، صحابه، تابعان و ائمه علیهم السلام را مشکل دانسته و معتقدند با وجود احادیث زیادی در منابع روایی فریقین هیچ دلیل و نشانه‌های دال بر اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یا معصومین علیهم السلام با استفاده از

علوم تجربی و قوانین طبیعی آیات قرآن را تفسیر کرده باشند، وجود ندارد. نهایت چیزی که می‌توان از برخی روایات استفاده کرد، جامعیت قرآن به مفهوم کلی است (رفیعی محمدی، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا (م ۴۲۸ هـ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ ق)، غزالی، فخرالدین رازی (م ۶۰۶ هـ ق)، ابوالفضل مرسی (م ۶۵۵ هـ ق)، عبدالله بن عمر شیرازی مشهور به «بیضاوی» (م ۶۹۱ هـ ق)، حسن بن محمد نیشابوری قمی (م ۷۲۸ هـ ق) بدرالدین زرکشی (م ۷۹۴ هـ ق) و جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ هـ ق)، از کسانی هستند که در آثارشان مطالب مربوط به تفسیر علمی قابل مشاهده است (ر.ک: رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵: ۲۹۳؛ رفیعی محمدی، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، ۱۳۸۶: ۱۳۱؛ کریم‌پور قراملکی، در آمدی بر تاریخ تحلیلی تفسیر علمی، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۹).

بسیاری از پژوهشگران به طور ویژه تفسیر علمی قرآن مورد بحث و کنکاش قرار داده‌اند که برخی از برجسته‌ترین آثار عبارتند از: کتاب «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن» و کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» آثار رضایی اصفهانی؛ کتاب «سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن» اثر رفیعی محمدی؛ کتاب «در آمدی بر تاریخ تحلیل تفسیر علمی» اثر کریم‌پور قراملکی؛ کتاب «روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن، مبانی و اصول» اثر گروهی از نویسندگان؛ کتاب «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» اثر احمد عمر ابوحجر.

باتوجه به قلمروی مکانی تحقیق که شبه‌قاره هند است، باید گفت برخی از آثار مربوط به تفسیر علمی در شبه‌قاره هند عبارتند از: رساله «بررسی تحلیلی-تطبیقی نقش علوم تجربی در فهم گزاره‌های دینی در آراء سر سید احمد خان هندی و علامه طباطبایی (ره)» اثر موسوی اصل؛ پایان‌نامه «نقد و بررسی روش تفسیری سید احمد خان هندی» اثر آذر عزیزی طه‌نه؛ پایان‌نامه «بررسی و نقد مبانی آراء تفسیر سر سید احمد خان هندی» اثر سیدزوار حسین نقوی؛ کتاب «تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان کا تنقیدی جائزه» (به زبان اردو یعنی ارزیابی انتقادی تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان) اثر سید محمد عباس رضوی (مونس)؛ مقاله «بررسی دیدگاه سید احمد خان هندی در مورد ملائکه» اثر فاطمه اثنی‌عشری، مهرناز گلی؛ مقاله «نقد و بررسی دیدگاه سید احمد خان هندی در مورد معجزه» اثر مهرناز گلی؛ مقاله «بررسی دیدگاه سید احمد خان هندی درباره وحی» اثر حسین خاکی‌پور؛ مقاله «نقدی بر اندیشه‌های سید احمد خان هندی» اثر شهاب کاظمی؛ مقاله «رویکردهای نوین تفسیری در شبه‌قاره هند؛ نقد و بررسی تفسیر ترجمان القرآن»، جعفر رضی خان؛ مقاله «بررسی اعجاز علمی قرآن از دیدگاه دکتر طاهر القادری»، محمد علی رضایی اصفهانی و محمد نظیر عرفانی؛



بر این اساس بیشتر کارهای تحقیقی صورت گرفته ناظر به یک یا دو شخصیت خاص است، و بحث آسیب‌شناسی به صورت گسترده مورد بحث واقع نشده است. البته بخش آخر کتاب «آسیب‌شناسی مکاتب تفسیری» به آسیب‌شناسی روش تفسیر علمی اختصاص دارد که به قلم شادی نفیسی نوشته شده است. هرچند مباحث مطرح شده در آن به طور عام است و اختصاصی به شبه‌قاره هند ندارد؛ اما به هر روی با مقاله حاضر مرتبط است.

الف. مفهوم‌شناسی

پیش از پرداختن به اصل بحث مناسب است، واژگان کلیدی این مقاله بحث و بررسی شود و معانی دقیق آن روشن شود.

یک. تفسیر

تفسیر در لغت از ریشه «فسر» در اصل به معنای واضح شدن امر یا چیزی است، در برخی از کتاب‌های لغت از جمله کتاب العین و صحاح معنای «تفسیر»، بیان و ایضاح و تفصیل معرفی شده است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۴/ ۵۰۴). راغب ماده «فسر» را چنین معنی می‌کند: «الفسر اظهار المعنی المعقول... والتفسیر فی المبالغة کالفسر» ماده فسر آشکار کردن معنای معقول است... و همان معنای فسر با مبالغه در کلمه تفسیر وجود دارد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۳۶).

آنچه تمام ارباب لغت در ماده «فسر» بر آن اتفاق نظر دارند، در برداشتن معنای بیان، اظهار، ایضاح است. همه این معانی دارای نوعی کشف و ظاهر ساختن امری مخفی است.

در تعریف اصطلاحی تفسیر دانشمندان علوم قرآنی و مفسران تعاریف متعددی از تفسیر ارائه کرده‌اند. خوئی (رحمه الله علیه) تفسیر را چنین تعریف می‌فرماید: تفسیر عبارت از توضیح و تبیین مراد خداوند متعال از کتاب عزیزش قرآن است (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸: ۳۹۷). علامه طباطبایی دانش تفسیر را چنین تعریف می‌فرماید: تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی، و کشف مقاصد و مدالیل آن است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴/۱). بنابراین دانش تفسیر متصدی تبیین و توضیح مراد خدا و ابهام‌زدایی از معانی آیات قرآن و روشن ساختن مقاصد آن در سطح توانایی مفسر است.

دو. علم

علم در لغت به معنای متعددی از جمله «نقیض جهل» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۰۹) «درک حقیقت چیزی» و یقین (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۵۸۰) آمده است.

در فرهنگ‌نامه فارسی نیز معانی آن «دانستن، دریافتن، یقین کردن، ادراک، اتقان، یقین، معرفت دقیق و با دلیل بر کیفیات معینه و یا حضور معلوم در نزد عالم» (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷: ۱۶۰۵۲/۱۰) بیان شده است.

در قرآن کریم نیز واژه علم با مشتقاتش کاربرد فراوانی دارد. برخی علم در فرهنگ قرآن را به دو معنای «ارزش» و «روش» دانسته اند. (ر.ک: کمانگر و تقی زاده چاری، «علم به معنای ارزش و روش از نگاه قرآن»، مجله قرآن و علم، ش ۲۵)

علم در اصطلاح معانی گوناگونی دارد؛ اما آنچه در این مقاله مورد نظر است عبارت است از: مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه‌ی حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست‌ها، به کار می‌برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیرتجربی را علم نمی‌شمارند، این اصطلاح امروزه در سطح جهان رواج یافته که معادل واژه «سائنس» (Science) در زبان انگلیسی است (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۲)، ۱۳۸۷: ۲۹).

سه. تفسیر علمی

«روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که بر اساس آن‌ها تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است، گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن از آن یاد شده است؛ اما مقصود ما در این نوشتار همان استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است؛ یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آید، و در این راستا تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد» (همان: ۲۳۱).

ب. آسیب‌شناسی تفسیر علمی شبه‌قاره

جریان تفسیر علمی شبه‌قاره هند به‌رغم داشتن نقاط قوتی که در جای خود قابل طرح است، دچار لغزش و آسیب‌های جدی بوده است. مسلماً بسیاری از این آسیب‌ها ناشی از رعایت نکردن شرائط صحیح تفسیر علمی است. در این مقاله برخی از آسیب‌های تفسیر علمی شبه‌قاره ذکر می‌گردد.

یک. یکسان دانستن «کلام خدا» با «عالم طبیعت» یا همسان پنداری مطلق «کتاب تکوین» و «کتاب تشریع»

برخی از طرفداران تفسیر علمی در شبه‌قاره هند معتقدند «اقوال خدا» که در «قرآن» تجلی یافته است، دقیقاً با «افعال خدا» یعنی آنچه وی آفریده و در «عالم طبیعت» مشاهده می‌شود، مطابقت



دارد. این گروه با عبارت‌های گوناگون چنین بیان داشته‌اند که خالق کتاب تکوین همان خالق کتاب تشریع است، بنابراین آنچه در عالم خلقت وجود دارد با آنچه خدا در قرآن بیان کرده است، یکی است، و هیچ اختلافی میان تکوین و تشریع وجود ندارد (ر.ک: اثری، تفسیر عروة الوثقی، ۱۴۱۴: ذیل آیه ۲۳ سوره زمر).

نمونه بارز آن سر سید احمد خان است، وی در مقدمه تفسیرش به صراحت از مبانی تفسیری اش سخن گفته است. وی در اصل هشتم از اصول تفسیرش، قرآن را وعده قولی خداوند و عالم طبیعت را وعده فعلی خداوند می‌داند و از این همسانی چنین نتیجه می‌گیرد که همچنانکه وعده‌های قولی خداوند تخلف‌ناپذیر است، وعده‌های فعلی خداوند نیز تخلف‌ناپذیر است. پس هیچ استثنایی در قانون فطرت و خلقت وجود ندارد (سر سید احمد خان، تفسیر القرآن، بی‌تا: ۴/۱).

سر سید احمد خان با این مبنا تمامی معجزات را انکار می‌کند و آن را خرق ناموس طبیعت می‌داند که با تخلف‌ناپذیری افعال خداوند ناسازگار می‌داند.

درحالی‌که معجزات نقض قوانین طبیعت نیست؛ بلکه قوانین طبیعت از اول امر منوط به شرایطی است که با وجود مانع و عدم تحقق شرایط، این قوانین نقض نمی‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۷۸: ۱/ ۱۲۴؛ رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲، اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، ۱۳۹۲: ۳۹).

دو. استفاده از فرضیات علمی در تفسیر قرآن

یکی از ضوابط تفسیر علمی که باید مورد توجه قرار گیرد، لزوم استفاده از حقائق مسلم علمی برای فهم قرآن است (کرمانی، قرآن اور سائنس ایک جائزہ، قرآن اور سائنس سیمینار مقالات، ۲۰۰۳: ۳۷؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۲، روشها و گرایشهای تفسیری، ۱۳۸۷: ۲۳۲؛ رفیعی محمدی، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، ۱۳۸۶: ۱۵۵). در برخی از موارد دیده شده که طرفداران تفسیر علمی قرآن به این اصل پایبند نبودند و به هرگونه نظریه و حتی فرضیه‌ای علمی برای تفسیر قرآن استناد کرده‌اند، ضمن اینکه ممکن است اشخاصی این اصل را پذیرفته باشند؛ اما در مقام عمل دچا خطا شده باشند. نتیجه این امر چنین است که اگر مفسری بر اساس یک فرضیه یا نظریه علمی غیر یقینی تفسیری از آیه ارائه دهد و پس از مدتی بطلان آن فرضیه یا نظریه روشن شود، اعتماد به اصل قرآن از بین می‌رود.

برای نمونه می‌توان به «نظریه تکامل انواع» یا همان نظریه داروین اشاره کرد. این نظریه اگرچه نظریه غالب در جوامع علمی است؛ اما هنوز دارای حلقه مفقوده‌ای است که اثبات آن را با چالش روبه‌رو کرده است (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵: ۴۴۶). برخی این نظریه را در حد یک فرضیه دانسته و آن را فاقد ویژگی‌های یک نظریه علمی می‌دانند (<https://www.porseman.com/article/۶۰۴۷۴>)

برخی از پژوهشگران نیز چنین نظریه‌ای را دارای اشکالات گوناگون معرفی کرده‌اند (ر.ک: نصر، «نقد نظریه تکاملی داروین»، ۱۳۸۸: ۴). به هر روی این نوشتار درصدد بررسی این نظریه نیست؛ اما قطعاً تفسیر قرآن بر اساس این نظریه آن هم به‌صورت جزئی صحیح نیست، و این آسیبی است که تعدادی از مفسران شبه‌قاره گرفتار آن شده‌اند (به‌عنوان نمونه ر.ک: آزاد، تفسیر ترجمان القرآن، بی‌تا: ذیل آیه ۱۴ سوره مومنون؛ عبدالودود، مظاهر فطرت اور قرآن، ۱۹۸۸م: ۳۱۳).

سه. علوم جدید معیاری برای صداقت قرآن

یکی از مبانی تفسیر علمی قرآن اذعان به این حقیقت است که رابطه میان قرآن و علم از نوع سازگارانه است؛ اما برخی از طرفداران تفسیر علمی که بسیار تحت تأثیر علوم جدید قرار گرفته‌اند، قرآن و علم را از لحاظ ارزش و اعتبار همپای هم دانسته و حتی بدون اینکه تصریح کنند، علوم جدید را ملاک و معیاری برای اثبات حقانیت و صداقت قرآن می‌دانند، طبق این مبنا اگر مطلبی را قرآن بیان کند که از منظر علوم جدید تأیید نشود، صداقتش مورد تردید است (ندوی، «آیات قرآنی کی سائنسی تعبیر و تشریح خطرات اور ان کا تدارک»، ۲۰۰۳: ۴۹) «ندوی» از پژوهشگران معاصر، «موریس بوکای» را به داشتن چنین نگرشی متهم می‌کند (همان: ۵۰).

چهار. تبدیل قرآن به کتابی علمی

«ضیاءالدین سردار» اندیشمند معاصر پاکستانی می‌نویسد: بدون شک قرآن اشارات گذرایی به حقائق عالم طبیعت داشته‌است؛ اما هرگز قرآن یک کتاب درسی در یک رشته علمی نیست. علم از قرآن آغاز می‌شود، نه اینکه به قرآن ختم شود (سردار، «دو آقاؤں کے درمیان»، ۱۹۹۰: ۳۸). ندوی، افرادی مانند موریس بوکائی، محمد جمال‌الدین افندی، افضال الرحمن، هلوک نور باقی و عزیز الحسن عباسی را جزو کسانی می‌شمارد که دچار چنین لغزشی شده‌اند (ندوی، «آیات قرآنی کی سائنسی تعبیر و تشریح خطرات اور ان کا تدارک»، ۲۰۰۳: ۵۲-۵۳).



پنج. تحمیل نظریات بر قرآن

تفسیر به‌رأی آفت مهمی در تفسیر قرآن است و روایات فراوانی در نکوهش آن وارد شده است (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۲ (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری)، ۱۳۸۷: ۲۷۹). روش مطلوب در تفسیر علمی، استفاده از یافته‌های قطعی علوم در فهم بهتر قرآن است؛ اما اگر مفسر یک نظریه علمی را از پیش مسلم گرفته و بکوشد آیات قرآن را مطابق آن تفسیر یا به عبارت دیگر تأویل برد، به تصریح علماء این مصداقی برای تفسیر به‌رأی خواهد بود (رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۷۵: ۲۷۸).

طرفداران تفسیر علمی در شبه‌قاره گاهی خواسته یا ناخواسته به این آفت مبتلا شده‌اند. برای مثال کمال‌الدین همدانی در کتاب «قرآن اور علم الافلاک» در مورد سایه داشتن زمین می‌نویسد: احادیثی که از رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نقل شده‌است دلالت دارد که کوه قاف سایه زمین است که چیزی میان روشنی و تاریکی است و رنگ سبز دارد. از قرآن کریم نیز می‌توان سایه زمین را ثابت کرد. در سوره نحل خداوند متعال می‌فرماید ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا﴾ (نحل/ ۸۲؛ همدانی، قرآن اور علم الافلاک، ۱۹۸۷: ۴۰).

نمونه دیگر تلاش محمد شهاب‌الدین ندوی برای جستجوی «ذره‌بین» در قرآن است، وی ذیل آیه ﴿...انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (انعام/ ۹۹) می‌نویسد: تمام این حقائق عالم ربوبیت پس از اختراع ذره‌بین برای بشر کشف شد. بنابراین، آیه اشاره‌وار دستور به ایجاد ذره‌بین می‌دهد (ندوی، قرآن حکیم اور علم نباتات، ۱۹۹۰: ۳۱۱).

همچنین بسیاری از طرفداران نظریه «ارتقاء» یا به عبارت دیگر نظریه «تکامل انواع» تلاش زیادی دارند که آیات قرآن (از جمله آیات نور/ ۴۵؛ انعام/ ۳۸؛ مؤنون/ ۱۴) را در تأیید این نظریه مطرح کنند و گاه دست به تأویلات نادرست زده‌اند.

عبدالودود در این زمینه می‌نگارد: قرآن نه تنها نظریه ارتقاء (تکامل انواع) را تأیید می‌کند؛ بلکه بهتر است بگوییم نظریه ارتقاء زیستی، دلیلی بر صداقت قرآن است، زیرا قرآن این سخن را در قرن هفتم میلادی بیان فرمود؛ اما بشر در قرن نوزدهم میلادی بدان دست یافت (عبدالودود، مظاهر فطرت اور قرآن، ۱۹۸۸م: ۳۱۳).

مثال دیگر «افتخار احمد اعوان» آیه ﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ﴾ (همزه/ ۴) را به «بمب اتم» تفسیر کرده است. او می‌نویسد: در اصل مقصود آیه از «حطمه» همان «بمب اتم» است، تلفظ اتم در زبان فرانسوی نیز «حطم» است. معنای آن در لغت «از هم متلاشی کردن» است که همان کار بمب اتم

است (اعوان، قرآن مجید میں ایثم بم کا تذکرہ، اسلام، سائنس اور مسلمان، ۲۰۰۹: ۲۱۵) وی
همچنین آیات ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ * الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ * إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ *
فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾ (همزه/ ۵-۹) را خصوصیات و جزئیات بمب اتم دانسته و طبق آن توضیح می دهد
(اعوان، قرآن مجید میں ایثم بم کا تذکرہ، اسلام، سائنس اور مسلمان، ۲۰۰۹: ۲۱۵-۲۱۷).

بسیاری از آراء تفسیری سر سید احمد خان نیز از این گونه است. از این رو برخی از پژوهشگران
معاصر این تفسیر را به تفسیر به رأی نزدیک تر می دانند تا تفسیر علمی به معنای صحیح (بابایی، مکاتب
تفسیری، ۱۳۹۱: ۳۹۹/۳).

نش. محدود کردن معانی قرآن

یکی از مهم ترین جلوه های اعجاز آمیز کلام الهی بهره مندی آن از دقیق ترین تعابیر است، گزینش
واژگان در قرآن به گونه ای است که هیچ واژه دیگری را نمی توان برای آن جایگزین کرد (ر.ک: معرفت،
التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۰۹/۴) به همین جهت است که در بسیاری از مواقع یک کلمه
دربدارنده معانی متعددی است. بنابراین در ترجمه و تفسیر نیز باید تا حد امکان به این مسئله توجه
داشت. در تفسیر علمی گاهی معنای یک واژه یا عبارت محدود می شود.

محمد شهاب الدین ندوی در کتاب «قرآن حکیم اور علم نباتات» که بالغ بر ۴۴۰ صفحه است،
بسیار کوشیده است که نظام زیست شناسی گیاهی قرآن را بر اساس علوم زیستی جدید تفسیر کند.
عنصر محوری در این تلاش اثبات «سبزینه» (کلوروفل) گیاهان از منظر قرآن است. مهم ترین آیه ای که
وی بدان استناد کرده، آیه: ﴿فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا﴾ (انعام/
۹۹) است. وی «خضرًا» در آیه را به «سبزینه» تفسیر می کند (ندوی، قرآن حکیم اور علم نباتات،
۱۹۹۰: ۲۸۸).

این تفسیر هر چند می تواند درست باشد؛ اما لازم است اولاً به نحو احتمالی ذکر شود، تا تحمیلی
صورت نگیرد، ثانیاً نمی توان «خضرًا» را در معنای یاد شده محدود دانست؛ زیرا بر اساس لغت و دیدگاه
عموم مفسران دلالت بر گیاهان دارد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۶۹/۵)؛ بنابراین دلیلی بر
انحصار مفهوم آیه به «سبزینه» وجود ندارد.

دکتر طاهر القادری از اندیشمندان معاصر پاکستان آیات «یا معشر الانس و الجن ان استعظمتم ان
تنفذوا من اقطار السموت والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان» (رحمن ۳۳) و «والقمر اذا اتسق لتركبن
طبقاً عن طبق فما لهم لا يؤمنون» را اشاره به سفر سه فضانورد آمریکایی در سال ۱۹۶۹م به کره ماه می



دانند. وی اظهار می دارد که لتركبن جمع است و به معنای سوار شدن است در زبان عربی نیز جمع از سه نفر تشکیل می شود. (طاهر القادری، اسلام اور جدید سائنس (اسلام و علوم جدید)) در بررسی این نظریه برخی از پژوهشگران اذعان داشته اند این برداشت محدود ساختن معانی قرآن است، زیرا احتمالات دیگر تفسیری نیز برای این آیات مطرح است. (ر.ک: رضایی اصفهانی و عرفانی، بررسی اعجاز علمی قرآن از دیدگاه دکتر طاهر القادری، مجله قرآن و علم، ش ۲۰، ۱۳۹۶)

همچنین «ابوالحیات اشرف» در تفسیر آیه ﴿وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ (حج/ ۵) را به عمل باکتریال تفسیر می کند (اشرف، پوری کائنات محو عبادت هے، ۱۹۹۳: ۴۸). اگرچه احتمال درست بودن این تفسیر نیز وجود دارد؛ اما قطعاً نمی توان معانی آیات یادشده به این امور محدود و منحصر باشد.

هفت. غافل ماندن از امور معنوی و اخلاقی

برخی از کسانی که بیشتر به مسائل علمی قرآن توجه کرده اند، از امور اخلاقی و معنوی این کتاب هدایتگر دچار غفلت شده اند. به عنوان مثال محدود کردن حکمت وضو به مسائل بهداشتی، بیان فلسفه روزه برای فوائد طبی آن، بیان ممنوعیت خوردن گوشت خوک و شرب شراب به خاطر آسیب های مادی آن و... (ر.ک: هلوک نور باقی ترکی، قرآنی آیات اور سائنسی حقائق، ۲۰۰۲م: ۷۷). همه این امور اگرچه در جای خویش صحیح است؛ اما نباید سبب غفلت از مسائل معنوی و تربیتی شود.

این آسیب در تفسیر سید احمد خان نیز مشهود است که نمونه هایی از آن ذکر گردید. این حقیقتی ناگوار است که خواننده تفسیر مذکور به جای دریافت امور معنوی و هدایت گرایانه قرآن، درگیر پیچیدگی های علمی می گردد. البته اصل پرداختن به تفسیر علمی قرآن امری مطلوب و پسندیده است؛ اما نباید منجر به بی توجهی به امور اخلاقی و معنوی گردد.

هشت. توجیهات مادی امور معنوی

استفاده از علوم جدید برای فهم بهتر آیات امری مطلوب است؛ اما نباید فراموش کرد که قرآن بسیاری از امور ماوراء طبیعت و امور معنوی را نیز بیان کرده است، علوم متعارف بشری راهی برای رسیدن به این گونه امور ندارد. مفسر ناگزیر باید در برابر حقائق غیر مادی قرآن سر تسلیم فرود آورد. متأسفانه برخی از مفسران شبهه قاره و در رأس آنان سر سید احمد خان دست به توجیه امور معنوی زدند و کوشیدند هر آنچه در قرآن آمده را با عینک مادی تحلیل کنند، تا برای غیر مسلمانان نیز قابل فهم و مقبول باشد. بر همین اساس تقریباً تمام آنچه جزو معتقدات مسلمانان بوده؛ اما از دید غیر مسلمانان

محل اشکال بوده از جمله معجزه، دعا، فرشتگان و شیطان را سر سید احمد خان توجیه مادی کرده است. مهمترین بحثی که در این میان مطرح است دیدگاه وی نسبت به معجزه است. وی هرگونه امور معنوی و ماورایی را به صورت مادی توجیه کرده است. دانشمندان شبه قاره هند و سایر دانشمندان از همان دوران حیات سر سید به شدت به نقد آراء وی پرداخته اند.

سید سلیمان ندوی درباره نقد سر سید می نویسد: اینکه گفته شود معجزه با گواهی صدها بلکه هزاران نفر ناسازگار است، نوعی مغالطه است؛ زیرا اینکه هزاران نفر گواهی دهند که آتش می سوزاند، منافاتی ندارد که یک آتش خاص در یک ماجرای خاصی کسی را نسوزانده باشد؛ زیرا این ماجرا متفاوت و مستقل از هزاران شهادتی است که بر سوزاندن آتش دلالت دارد، مخالفت و تضاد در جایی است که خبری دلالت بر عدم سوزاندن آتش داشته باشد و در عین حال صدها خبر دلالت بر سوزاندن آتش در همان ماجرا داشته باشند؛ اما اینکه در طبیعت نوعاً آتش خاصیت سوزاندن داشته باشد، نفیاً یا اثباتاً ربطی به عدم سوزاندن آتش در واقعه معین و مشخصی ندارد (ندوی، سیره النبی، بی تا: ۵۹/۳).

نقد دیگری که می توان به دیدگاه سر سید احمد خان در باب معجزه وارد ساخت این است که وی معجزه را گوئی نقض در قانون طبیعت یا به عبارت دیگر نقض قانون علیت دانسته و به کلی آن را انکار کرده است؛ اما باید دانست که معجزه منافاتی با قانون طبیعت یا قانون علیت ندارد، معجزه نیز تابع قوانین موجود در عالم طبیعت است، چیزی که هست علت معجزه از بشر عادی پوشیده و از توان آدمی خارج است، نه اینکه معجزه علت نداشته باشد (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۸۲/۱). شهید مطهری رحمته الله علیه معجزه را خرق قوانین طبیعی می داند، نه خرق قوانین عقلی، و قانون علیت یک قانون عقلی است (مطهری، نبوت، ۱۳۶۹: ۱۰۶). وی با اشاره به استدلال سر سید احمد خان در تأویل معجزات که عبارت است از تغییر ناپذیری سنت الهی، پاسخ مرحوم شریعتی به این استدلال را نقل و تأیید می کند. شریعتی می نویسد: اگر سر سید احمد خان و همفکرانش اندک تأملی در آیات دربردارنده اصطلاح سنت الله می کردند خودشان پی می بردند که این آیات هیچ ارتباطی با معجزات ندارد و تأویل بردار نیست (همان: ۱۰۷).

برخی از پژوهشگران چنین نگاشته اند: سر سید عقائد اسلام را با دیدگاه مادیگران ممزوج ساخت تا بلکه غربیان را متوجه زیبایی ها و خوبی های اسلام گرداند، امری که هرگز حاصل نشد؛ بلکه عقائد مسلمانان را متزلزل کرد (مجاهد حسین، سر سیدشناسی مبالغه اور مغالطه، ۲۰۱۷: ۴۹).



نه. تحریفات و تأویلات ناروا

هنگامی که مفسر آیه‌ای را تفسیر می‌کند باید بسیار مواظب باشد که آیات را بر اساس اصول صحیح تفسیر به صورت درست تفسیر کند تا گرفتار تأویل و تفسیر به رأی نابجا نشود. بسیاری از مفسرانی این جریان این نقطه ضعف را دارند.

نمونه‌هایی از این دست تأویلات را می‌توان در تفسیر سر سید احمد خان مشاهده کرد.

۱. وی عبور حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل از دریا را بر اثر جزر و مد دانسته و «ضرب» در آیه ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾ (شعراء/ ۶۳) را به راه رفتن یا رفتن با سرعت تفسیر کرده است (خان، تفسیر القرآن، بی‌تا: ۹۰/۱).

اینکه وی عبور حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل را بر اثر جزر و مد دانسته و نه معجزه شکافته شدن دریا، باطل است؛ زیرا با بررسی آیات قرآن در این زمینه به واژه‌هایی برمی‌خوریم که با توجیهی که وی بیان داشته است، ناسازگار است. ﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ...﴾ (بقره/ ۵۰) ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾ (شعراء/ ۶۳).

سه واژه «فرق»، «فانفلق» و «کل فرق» دلالت بر جدایی و انفصال میان دو شیء دارد (ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲: ۶۳۲) و با توجیه سر سید احمد ناسازگار است.

سر سید احمد یک اشکال ادبی به قول مشهور گرفته که مفسران آیه ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾ (شعراء/ ۶۳) را به گونه شرط و جزا قرار داده‌اند؛ یعنی شرط را به منزله علت و جزا را به عنوان معلول فرض کرده‌اند؛ یعنی شکافته شدن دریا، نتیجه زدن عصا توسط حضرت موسی علیه السلام است؛ اما این درست نیست؛ زیرا «انفلق» ماضی است، و فعل ماضی اگر جزا باشد و معلول شرط باشد بدون «فاء» می‌آید، بلکه اگر ماضی معلول شرط نباشد مقرون به «فاء» می‌آید مثل «ان اکرمتمنی فاکرمتمک امس». بنابراین چون در آیه «فانفلق» مقرون به «فاء» است، نمی‌تواند معلول «اضرب» باشد.

در پاسخ به این اشکال باید گفت اولاً: اینکه وی گفته مفسران آیه را شرط و جزا گرفته‌اند، صحیح نیست و اصولاً در آیه واژه‌ای نیست که دلالت بر شرط کند مثل «ان، اذا، لو و...»؛ ثانیاً: حرف فاء در «فانفلق» طبق تعبیر مفسران و علماء نحو فاء فصیحت است که دلالت بر امری محذوف دارد، نه فاء جزا یا جواب شرط؛ یعنی در اصل این گونه بود «فَصَرَبَ فَنَفَلَقَ» (درویش، اعراب القرآن و بیانه، ۱۴۱۵: ۷/ ۷۹؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۲۸/۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۴: ۳۰۱/۷). برخی از مفسران علت این حذف را سرعت امثال آن توسط حضرت موسی علیه السلام بیان داشته‌اند (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۴۱۷: ۸۴/۱۰).

نقد دیگری که به این توجیه سر سید احمد خان وارد است اینکه وی تعبیر «أَنْ اُضْرِبَ بَعْصَاكَ الْبَحْرَ» در آیه مذکور را به معنای راه رفتن در دریا به کمک عصا گرفته است که توجیه عجیبی به نظر می‌رسد؛ زیرا نه ظاهر آیه دلالت بر آن دارد، و نه چنین تعبیری در کلام عرب کاربرد دارد. قیاس آن به آیه «اِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ صَحِيحٌ نَيْسْتُمْ؛ زِيْرَا اَنْجَا ضَرْبِ مُسْتَقِيْمٍ بِاَ «فِي» متعدی شده که دلالت بر حرکت در زمین دارد. ادعای سر سید احمد خان در مورد کم عمق بودن دریای احمر و داشتن جزایر متعدد بر فرض پذیرش تفاوتی در اصل بحث ایجاد نمی‌کند.

۲. «سر سید احمد خان» «فَقُلْنَا اُضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ» را چنین معنا کرده است: به کمک عصایت از کوهستان بالا برو! آنجا دوازده چشمه می‌یابی.

این نظریه نیز درست نیست؛ زیرا همانگونه که گذشت چنین معنایی برای ضرب، خلاف ظاهر و فاقد دلیل است، تفسیر حجر به کوهستان نیز همین وضعیت را دارد. ظاهر آیه «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» دلالت دارد که جاری شدن چشمه‌ها از سنگ در اثر ضربه عصای حضرت موسی (علیه السلام) بوده است، نه اینکه در آن دیار از قبل این چشمه‌ها جاری بوده باشد. جالب اینجاست که خود سر سید احمد خان عموم مفسران را دائم به خاطر تأثیرگرفتن از یهود و اخذ اسرائیلیات نقد می‌کند، درحالی‌که خود وی در تفسیر این آیه و آیات متعدد دیگر دست به دامن کتاب مقدس می‌شود.

۳. سر سید احمد خان در تفسیر آیه «أَوِ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَ انْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۲۵۹) نیز تفسیری برخلاف سایر مفسران بیان کرده است، وی زنده شدن شخصی بعد از صد سال را نفی می‌کند و اصل ماجرا را در خواب می‌داند و می‌نویسد:

مشخص است که «کاف» از حروف تشبیه است و «كَأَنَّ» هم از همان «کاف» تشبیه ساخته شده است و گاهی «کاف» تشبیه را به واسطه اهتمام در تشبیه یا تبدیل سیاق کلام و یا به جهات دیگری جائز است از مشبه به جدا کنند؛ مثلاً از «زَيْدٌ كَالْأَسَدِ» اگر کاف تشبیه به جهتی جدا شود، این گونه خواهد شد: «كَأَنَّ زَيْدَ الْأَسَدِ». در این آیه هم «الَّذِي» مشبه به نیست؛ بلکه از آن تشبیه یا تمثیل مرور آن کس مراد است. پس تقدیر آیه چنین می‌شود که: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي كَانَتْ مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ». بنابراین در حقیقت آن شخص مروری بر قریه نداشت؛ بلکه در عالم خواب دیده بود که گویا بر قریه‌ای عبور کرده است. و مقصود از «الَّذِي» ظاهراً حضرت «نحمیا» و منظور از زنده شدن شخصی بعد از صد سال، آبادانی



مجدد شهری پس از ویرانی است و شهر ویران‌شده نیز بیت‌المقدس بوده که توسط بخت‌النصر ویران شده بود. از کتاب نحمیا معلوم می‌شود که فکر و ذهن وی برای تعمیر بیت‌المقدس بسیار مضطرب و پریشان بوده است و به همین خاطر در دعا‌های خویش همواره آبادی آن شهر را از خدا می‌خواست، او فکر می‌کرد که چگونه خداوند آن شهر آباد را پس از مرگ یعنی ویرانی بار دیگر زنده یعنی آباد می‌کند.

۳. از آنجاکه معمولاً هرچه انسان به‌طور مداوم بدان فکر کند را ممکن است در خواب ببیند، وی نیز روزی در عالم رؤیا مشاهده می‌کند که وی از روستایی عبور می‌کند که مردمانش مرده و آن قریه ویران شده است، با تمامی تفصیلی که قرآن از خواب وی حکایت کرده است، در نتیجه وی باور کرد که خدا آن شهر ویران «بیت‌المقدس» را نیز می‌تواند دوباره زنده و آباد گرداند. سر سید احمد خان در ادامه استدلالش به حدیثی از ابن عباس نیز استشهاد می‌کند که ماجرا در خواب بوده است. و در مقام به این سؤال مقدر که در قرآن واژه‌ای وجود ندارد که دلالت بر رؤیا کند می‌نویسد: نظیر این قضیه در داستان حضرت یوسف علیه السلام نیز آمده است ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (یوسف/۴) حضرت یوسف علیه السلام نگفت من در عالم خواب چنین دیدم. این آیه نیز مانند همان آیه است (خان، تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۲۹۵-۳۰۴).

در بررسی این دیدگاه باید گفت این توجیه خلاف ظاهر آیه است. ظاهر آیه دلالت دارد بر اینکه این مردن و زنده‌شدن در عالم واقع اتفاق افتاده است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۲/۳۶۰). تفسیر عبارت «أَنِّي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا» به آبادانی شهر پس از ویرانی نیز از تأویل‌های فاقد دلیل و بر خلاف ظاهر آیه است (همان: ۲/۳۶۳). توجیهات وی درباره «کاف» در «کالذی» نیز از لحاظ ادبی مورد نقد واقع شده است (دژآباد، «بررسی معجزات انبیاء در کتاب تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان»، ۱۳۹۲: ش ۱۴) سر سید احمد از آنجاکه می‌داند دلیلی ندارد که وقوع ماجرا در عالم بیداری را انکار و آن را صرف یک خواب ثابت نماید، آیه را به خواب حضرت یوسف علیه السلام تشبیه کرده است؛ زیرا آنجا هم عبارت آیه صراحتی در خواب ندارد. ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ (یوسف/۴) البته وی از اینکه غافل بوده است که آیات دیگر صراحت دارد که این اتفاق در خواب واقع شده است و اساساً چنین مطلبی در بیداری ممکن نیست و این خود قرینه عقلی بر این است که این تعبیری از یک رؤیاست.

۴. سر سید احمد آیات ﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ * فَقُلْنَا اضْرِبُوهَ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۷۲-۷۳) را چنین تفسیر می‌کند که این داستان ارتباطی با داستان ذبح گاو ندارد، بلکه معنی آیه این است که هنگامی که قتلی صورت

گرفت که قاتل آن نامعلوم بود خدا دستور داد هرکدام از مردمی که آنجا هستند قسمتی از بدن مقتول را به قسمت دیگری از بدنش بزنند تا قاتل مشخص شود؛ زیرا فرد بی گناهی ابایی از این کار نخواهد داشت؛ اما قاتل از ترسش مشخص می شود، امروزه نیز در بسیاری از مواقع برای کشف مجرم از این ترفندهای روانی استفاده می کنند. بنا بر آیه منظور از «یحیی» یعنی ظاهر می کند و مقصود از «موتی» یعنی همان مجرم و قاتلی که مشخص نبود (خان، تفسیر القرآن، بی تا: ۱/۱۲۶).

این توجیه سر سید احمد خان نیز ناوړا است و دارای اشکالات متعددی است. از جمله اینکه سیاق آیات دلالت دارد که دستور به ذبح گاو و مشخص شدن قاتل ناشناس با هم مرتبط است. قاطبه مفسران نیز این دو حادثه را مرتبط به هم دانسته اند روایات متعددی از منابع فریقین نیز مؤید این مطلب است (ر.ک: سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ۴۰۴: ۷۹/۱). نکته دیگر اینکه تفسیر «یحیی» به معلوم و مشخص شدن و تفسیر «موتی» به قاتل ناشناس تأویل دور از ذهن، فاقد مستندات لغوی، ناسازگار با ظاهر آیه و به تکلف انداختن خود است.

این گونه نظرات از سوئی تأویلات ناروا بوده و از سوئی تحمیل نظریه بر قرآن نیز محسوب می شود. منشأ چنین تأویلات و تفسیر به رأی های سر سید، نگرش خاص وی در انکار معجزه و هرگونه امور خارق العاده است (خان، تفسیر القرآن، بی تا: ۳۲/۱) که پیشتر اشاره شد.

نمونه دیگر تفسیر کلمات «ذاریات»، «حاملات»، «مقسمات»، «مرسلات»، «عاصفات»، «ناشرات»، «فارقات»، «ملقیات»، «نازعات»، «سابحات» و «مدبرات» در طلیعه سور مبارکه «ذاریات»، «مرسلات» و «نازعات» بر امواج رادیویی که «عبد الودود» بیان کرده است (عبدالودود، مظاهر فطرت اور قرآن، ۱۹۸۸م: ۵۳) نیز تأویلی نادرست است؛ زیرا الفاظ آیه دلالتی بر آن ندارد و عمده مفسران آیه را به ملائکه یا بادهای تفسیر کرده اند (ر.ک: زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، ۱۴۰۷: ۳۹۴/۴ و ۶۹۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۴: ۲۳۰/۹؛ ۶۵۱/۱۰؛ فخررازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۱۶۱/۲۸؛ ۲۸/۳۱؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴: ۳۶۴/۱۸؛ ۱۷۹/۲۰).

د. دور شدن از هدف اصلی قرآن

وقتی قرار باشد از قرآن یک سری مطالب علمی استخراج شود، و مسائل علوم گوناگون در این کتاب مقدس پیگیری شود، انسان از مقصد و غایت اصلی نزول قرآن دور می شود. مطالعه تفاسیری که در تفسیر علمی از حد اعتدال تجاوز کرده اند، مانند تفسیر سر سید احمد خان و تفسیر الجواهر طنطاوی،



گواه این است مسائل علمی مطرح‌شده در این تفاسیر به قدری انسان را گرفتار خود می‌کند که دیگر مجالی برای توجه و تمرکز به پیام‌های هدایت‌گر قرآن کریم باقی نمی‌ماند.

«سید مهدی علی خان نواب محسن الملک» که از یاران نزدیک و صمیمی سر سید احمد خان و بازوان وی برای تأسیس دانشگاه اسلامی «علی‌گره» بود، و پس از وفات سر سید زمام مدیریت امور دانشگاه را به دست گرفت، از لحاظ دیدگاه‌های مذهبی جزو منتقدان جدی سر سید احمد خان بوده است. وی در نامه‌ای به وی می‌نویسد: در برخی از موارد کار شما از تسامح فراتر رفته و به مغالطه رسیده است، جایی که باید توقف می‌کردید، از حد عبور کردید، شما به مطالبی که در علوم جدید مطرح شده، بی‌چون و چرا اعتماد کردید، مطالبی که از قرآن به ظاهر خلاف آن بود را دست به تأویل زدید به گونه‌ای که مقصد حقیقی قرآن به کلی فوت شده است (مجاهد حسین، سر سیدشناسی مبالغه اور مغالطه، ۲۰۱۷: ۴۳).

یازده. بی‌توجهی به معنای واژگان در عصر نزول

در فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن یا همان جاودانگی و جهانی بودن قرآن شکی نیست. البته باید به این نکته توجه شود که در دلالت الفاظ قرآن باید به معنای دوران نزول قرآن دقت شود (رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۵۷). برخی از مفسران علمی به دنبال اثبات مطالب علمی و گرفتن تأیید از قرآن از این نکته غفلت ورزیده‌اند. برای مثال واژه «ذره» در آیه «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (سبأ/ ۳) که برخی مراد از آن را «اتم» گرفته‌اند (ندوی، «آیات قرآنی کی سائنسی تعبیر و تشریح خطرات اور ان کا تدارک»، ۲۰۰۳: ۵۹).

نمونه دیگر تفسیر «وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى * فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى» (اعلیٰ/ ۴-۵) به نفت است. «محمد انور» «مرعی» را سبز مایل به سیاهی و «غثاء» را در اصل به معنای ماده‌ای فاسد شده یا زخمابه و به معنای خس و خاشاک بر روی آب‌های جاری می‌داند و آیه را به نفت تفسیر می‌کند و بحث‌های دور و درازی از ادوار زمین‌شناسی و مراحل پیدایش نفت بر روی این کره خاکی مطرح می‌کند (میمن، قرآن کے سائنسی اکتشافات، ۲۰۰۳: ۴۶۹-۴۷۲).

دوازده. غفلت از سیاق آیات

سیاق و بافت کلام برای تعیین مدلول و مقصود اصلی متکلم نقش اساسی دارد، مفسران و صاحب‌نظران بر اهمیت سیاق در فهم مراد الهی تأکید کرده‌اند (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن) (مبانی و قواعد تفسیری)، ۱۳۸۷: ۴۱۷؛ فاکرمیددی، قواعد التفسیر لدی الشیعه و السنه، ۱۴۲۸:

۲۸۰؛ بابایی، قواعد تفسیر قرآن، ۱۳۹۴: ۱۲۶؛ رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۱۰۰). برخی از تفاسیر علمی از این قاعده مهم تفسیری غفلت ورزیده‌اند، یا شاید به خاطر تحمیل نظرات علمی بر قرآن سیاق را نادیده انگاشته‌اند که خود آسیب دیگری است. نمونه آن تفسیر «سلطان» در آیه ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ (الرحمن/ ۳۳) به راکت و ماهواره است. «محمد انور» این آیه را در مورد تسخیر فضا توسط انسان و جن می‌داند؛ زیرا در آیه از حرف شرط «ان» استفاده شده که برای امور ممکن الوقوع به کار می‌رود. وی معنای مجازی برای آیه را رد می‌کند. «تنفذوا» را به معنای عبور از یک سوی جسمی به سوی دیگر گرفته‌است. او در تفسیر سلطان معنای تسلط و غلبه را در نظر گرفته و می‌نویسد: معنای اصلی سلطان همان غلبه و سلطه‌است، به حاکم نیز از همین رو سلطان می‌گویند که مظهر سلطه و غلبه است، در این آیه مقصود از سلطان همان «تکنولوژی فضایی» که به سبب آن انس و جن به تصریح قرآن می‌توانند از محدوده زمین و آسمان فراتر روند. راکت همان وسیله‌ای است که انسان با استفاده از آن می‌تواند بر فضا تسلط یابد (میمن، قرآن کے سائنسی اکتشافات، ۲۰۰۳م: ۲۱۷-۲۱۸). این نظریه اشکال تحمیل نظریه بر قرآن را نیز دارد. برخی از پژوهشگران عربی نیز چنین تفسیری مطرح کرده‌اند (ر.ک: رفیعی محمدی، تفسیر علمی قرآن (بررسی سیر تدوین و تطور)، ۱۳۷۹: ۲۶۷/۲؛ ابوحجر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، ۲۰۰۱: ۴۲۰-۴۲۶).

سیزده. مخالفت با سنت قطعی رسول خدا ﷺ

یکی از اموری که می‌تواند در تفسیر قرآن نقش مهمی ایفا کند، سخنان و سیره رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت ﷺ است. برخی از پژوهشگران عدم مخالفت تفسیر با سنت قطعی را جزو قواعد لازم برای تفسیر قرآن می‌دانند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن ۱ (مبانی و قواعد تفسیری)، ۱۳۸۷: ۵۰۰)؛ بعضی سنت را جزو قرائن ناپیوسته در تفسیر قرآن دانسته‌اند (رجبی، روش تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۱۴۹)؛ و گروهی اصل «عدم افتراق ثقلین» را جزو اصول تفسیری برشمرده‌اند (اخوان مقدم، از دریا به آسمان، «اصول تفسیر قرآن کریم برگرفته از روایات اهل بیت ﷺ»، ۱۳۹۳: ۱۹۴-۱۸۳). از باب نمونه می‌توان قول به جواز ربای مصطلح توسط سید احمد خان را برشمرد (خان، تفسیر القرآن، بی‌تا: ۳۰۸/۱-۳۲۱) که ما می‌دانیم این خلاف سیره قطعی رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﷺ و متشرعه است.



چهارده. انتقاد غیرمنصفانه از تلاش‌های پیشینیان

هر کسی در هر دوره‌ای زندگی می‌کند، به راحتی می‌تواند گذشتگان را مورد انتقاد قرار دهد. البته نقد آثار گذشته امری بجا و سودمند بوده و باعث پیشرفت علم می‌گردد؛ اما در این زمینه به چهار نکته باید توجه کرد؛ نخست اینکه هر آنچه در اختیار دانشمندان و پژوهشگران عصری وجود دارد، حاصل تلاش عالمان پیش از آنان است، در حقیقت ما بر سر سفره علمی آنان نشسته‌ایم. بنابراین باید قدر تلاش آنان را بدانیم. دوم اینکه نقدها باید منصفانه، واقع‌بینانه و بر اساس دیدگاه واقعی آنان باشد. سوم اینکه نقدها می‌بایست ناظر به دیدگاه‌ها و آراء علمی باشد، نه نسبت به آبرو و حیثیت و شخصیت صاحبان آراء؛ و نکته آخر اینکه هر عالمی که دیدگاهی را نقد کرده و نظر دیگری ارائه می‌دهد، باید متوجه باشد که ممکن است همین دیدگاه نیز توسط پژوهشگران بعدی مورد نقد قرار گیرد.

«نفیسی» از پژوهشگران معاصر، در این زمینه می‌نویسد: انتقاد غیرمنصفانه از تلاش‌های پیشینیان باعث می‌شود، میراث ارزشمند گذشته خود را مورد انقاد قرار دهیم و در نتیجه دچار عدم اعتماد به نفس می‌شویم و به بحران هویت مبتلا می‌گردیم؛ زیرا بزرگان ما سراسر خطا و اشتباه به نظر می‌رسند، این قضاوت مسلماً صحیح نیست (اسعدی و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، ۱۳۹۰: ۱/۴۹۸).

به‌عنوان نمونه سر سید احمد خان در موارد متعددی عالمان گذشته را جملگی به باد انتقاد گرفته و نظر خود که مخالف دیدگاه آنهاست را صائب بر می‌شمارد (ر.ک: خان، تفسیر القرآن، بی‌تا: ۱/۱۱۱، ۱۳۰، ۱۱۷؛ ۲/۴۷۶).

«اسرار احمد» در مورد تفسیر جمله «أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ» ادعا دارد که مفسران پیشین تفسیر آن را دریافتند و این چنین می‌نویسد: جهانی از معنا پس این جمله کوتاه مضمّن است که کمتر کسی بدان متوجه شده است (اسرار احمد، تفسیر بیان القرآن، ۲۰۰۸: ذیل آیه ۱۴ سوره مؤمنون).

«آزاد» نیز سخن مشابهی بیان داشته و می‌نویسد: هیچ کدام از مفسران از تفسیر این فراز از آیه به خوبی بر نیامده‌اند (آزاد، تفسیر ترجمان القرآن، بی‌تا: ۲/۶۲۲-۶۲۶). البته «آزاد» با انصاف بیشتری اظهار نظر کرده است او مفسران ادوار گذشته را بی‌تقصیر دانسته و علت چنین برداشت‌هایی را عدم اطلاع بشر از جزئیات «رویان‌شناسی» می‌داند (همان: ۶۲۲-۶۲۶).

نتیجه

۱. تفسیر علمی در شبه‌قاره هند دارای اهمیت فراوانی بوده است. این جریان تفسیری به‌رغم داشتن نکات مثبت فراوان دچار آسیب‌ها و کاستی‌هایی نیز بوده است.
۲. سر سید احمد خان که بنیانگذار تفسیر علمی شبه‌قاره هند و مهمترین مفسر این جریان است، بیش از دیگر مفسران گرفتار لغزش شده است، از این‌رو مورد انتقادهای جدی قرار گرفته است.
۳. به نظر می‌رسد علت اساسی آسیب و لغزش در تفسیر، رعایت نکردن شرائط لازم تفسیر علمی و داشتن مبانی نادرست است.
۴. برخی از مهمترین نقاط ضعفی که در تفاسیر علمی شبه‌قاره در این مقاله مورد بحث قرار گرفت عبارتند از: استفاده از نظرات علمی اثبات‌نشده در تفسیر، قراردادن علوم به‌عنوان مبنایی برای فهم آیات، تحمیل نظرات علمی بر قرآن، سعی در استخراج همه علوم از قرآن، محدود کردن معانی قرآن، غفلت از معنای صحیح مفردات قرآن، بی‌توجهی به سیاق، مخالفت با سنت قطعی، کم‌رنگ شدن هدف هدایتگری قرآن و انتقاد غیر منصفانه از تلاش‌های پیشینیان.
۵. از آنجاکه با پیشرفت روزافزون علم، تفسیر علمی نیز به‌ویژه در حوزه علوم انسانی به سرعت در حال پیشرفت است، لازم است مفسران قرآن شرائط و ضوابط صحیح تفسیر را به‌درستی رعایت کرده تا از این آسیب‌ها در امان باشند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. آزاد، ابوالکلام احمد محی‌الدین، ترجمان القرآن، اسلامی آکادمی، لاهور: بی‌تا.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۷ق.
۴. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۰۴ ه.ق.
۵. ابوحجر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دار المدار الاسلامی، بیروت: ۲۰۰۱م.
۶. اثری، عبدالکریم، تفسیر عروة الوثقی، المكتبة الاثرية، نسخه موجود در نرم افزار «ایزی قرآن و حدیث. ویرایش ۶/۲»، گجرات: ۱۴۱۴.
۷. اخوان مقدم، زهره، از دریا به آسمان، اصول تفسیر قرآن کریم برگرفته از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران: ۱۳۹۳ ه.ش.
۸. اسرار احمد، تفسیر بیان القرآن، نسخه موجود در نرم افزار «ایزی قرآن و حدیث. ویرایش ۶/۲»، ۲۰۰۸م.
۹. اسعدی، محمد و همکاران، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۰. اشرف، ابوالحیات، پوری کائنات محو عبادت هے، مکتبه البلاغ، دهلی: ۱۹۹۳م.
۱۱. اعوان، افتخار احمد، «قرآن مجید میں ایٹم بم کا تذکرہ»، عبد الوکیل، ابو علی، «اسلام، سائنس اور مسلمان»، علم و عرفان پبلشرز (مجموعه مقالات)، لاهور: ۲۰۰۹م.
۱۲. بابایی، علی اکبر، قواعد تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران: ۱۳۹۴ ه.ش.
۱۳. _____، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران: ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۴. _____، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران: ۱۳۹۱ ه.ش.

۱۵. بیضاوی، قاضی عبد الله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۶. خان، سر سید احمد، تفسیر القرآن، لاهور: دوست ایسوسی ایٹس الکریم، مارکت اردو بازار، بی.تا.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دار الزهراء، قم: ۱۴۰۸ ق.
۱۸. درویش، محی الدین، إعراب القرآن و بیانه، دار الإرشاد، سوریه: چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران: دوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعم - الدار الشامیه، دمشق - بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۱. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم: ۱۳۷۵ هـ.ش.
۲۳. _____، علوم قرآن (۲)، اعجاز قرآن در علوم طبیعی و انسانی، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم: ۱۳۹۲ هـ.ش.
۲۴. _____، منطق تفسیر قرآن (۱)، مبانی و قواعد تفسیر قرآن، جامعة المصطفی العالمیه، قم: ۱۳۸۷ هـ.ش.
۲۵. _____، منطق تفسیر قرآن (۲)، روشها و گرایشهای تفسیری، جامعة المصطفی العالمیه، قم: ۱۳۸۷ هـ.ش.
۲۶. _____، و عرفانی، محمد نظیر، بررسی اعجاز علمی قرآن از دیدگاه دکتر طاهر القادری، مجله قرآن و علم، ش ۲۰، ۱۳۹۶ هـ.ش.
۲۷. رفیعی محمدی، ناصر، تفسیر علمی قرآن (بررسی سیر تدوین و تطور)، انتشارات فرهنگ گستر، با همکاری معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲۸. _____، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، دار الكتاب العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۳۰. سردار، ضیاء الدین، «دو آقاؤں کے درمیان»، مجله سه ماهی «آیات»، جلد ۱، شماره ۲، علی گره، ص ۳۰-۴۹، ۱۹۹۰ م.



۳۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر القرآن، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴.
۳۲. طاهر القادری، محمد، اسلام اور جدید سائنس، منہاج القرآن پبلیشرز، لاہور: ۲۰۰۱ م.
۳۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، قم: ۱۳۷۴ هـ.ش.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان لعلوم القرآن، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۱۴ هـ.ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت: بی تا.
۳۶. عادل نادر علی و خدیجہ عباسی، «پیشینہ تفسیر علمی»، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزہ و دانشگاه، شہرداری تہران، مجموعہ مطالعات علم دینی، روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن کریم، مبانی و اصول، ص ۱۱۳-۱۳۷، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳۷. عبدالودود، مظاہر فطرت اور قرآن، خالد پبلیشرز، لاہور: ۱۹۸۸ م.
۳۸. فاکرمبیدی، محمد، قواعد التفسیر لدى الشیعة و السنة، المجمع العالمی لتقریب المذاهب الاسلامی، بی جا: ۱۴۲۸ هـ.ق.
۳۹. فخر رازی، ابو عبد الله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۴۰. کرمانی، محمد ریاض، «قرآن اور سائنس ایک جائزہ»، عبد العلی و ظفر الاسلام، «قرآن اور سائنس سیمینار مقالات»، ادارہ علوم اسلامیہ، علی گرہ یونیورسٹی، ص ۲۰-۴۵ (مجموعہ مقالات)، ۲۰۰۳ م.
۴۱. کریم پور قراملکی، علی، در آمدی بر تاریخ تحلیلی تفسیر علمی، انتشارات ادباء، قم: ۱۳۹۷ هـ.ش.
۴۲. مجاہد حسین، سر سید شناسی مبالغہ اور مغالطہ، لاہور: نشریات، شفق پریس، ۲۰۱۷ م.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، انتشارات مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رح)، قم: ۱۳۷۸ هـ.ش.
۴۴. مطہری، مرتضی، نبوت، صدرا، تہران: ۱۳۶۹ ش.
۴۵. معرفت، محمد ہادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسۃ النشر الاسلامی، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـ.ق.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۴.
۴۷. میمن، محمد انور، قرآن کے سائنسی اکتشافات، ادارہ اشاعت اسلام، کراچی: ۲۰۰۳ م.
۴۸. ندوی، محمد رضی الاسلام، «آیات قرآنی کی سائنسی تعبیر و تشریح خطرات اور ان کا تدارک»، عبد العلی و ظفر الاسلام، «قرآن اور سائنس سیمینار مقالات»، ۲۰۰۳ م، ادارہ علوم اسلامیہ، علی گرہ یونیورسٹی، ص ۴۶-۶۵ (مجموعہ مقالات)، ۲۰۰۳ م.
۴۹. ندوی، محمد شہاب الدین، قرآن حکیم اور علم نباتات، بنگلور: فرقانیہ اکیڈمی ٹرسٹ، ۱۹۹۰ م.
۵۰. نصر، سید حسین، نقد نظریہ تکاملی داروین، مجلہ رشد آموزش معارف اسلامی، ش ۷۲، بہار ۱۳۸۸.
۵۱. نیشابوری قمی، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت: دار الکتب العلمیہ، ۱۴۱۶ھ ق.
۵۲. ہلوک نور باقی ترکی، قرآنی آیات اور سائنسی حقائق، ترجمہ: سید محمد فیروز شاہ، لکھنؤ: عباس بک ایجنسی، ۲۰۰۲ م.
۵۳. ہمدانی، سید محمد کمال الدین حسین، قرآن اور علم الافلاک، مظفر نگر یوپی، رنگ محل پبلیکیشنز، ۱۹۸۷ م.



References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲. Abdul Wadood, Mazhar, Fitrat aur Quran (Nature and Quran), Khalid Publishers, Lahore: ۱۹۸۸ CE.
۳. Abu Hajr, Ahmed Omar, Al-Tafsir al-Ilmi li al-Quran fi al-Mizan (Scientific Exegesis of the Quran in the Scale), Dar al-Madar al-Islami, Beirut: ۲۰۰۱ CE.
۴. Adel Nader Ali and Khadijah Abbasi, "History of Scientific Interpretation", The Foundation of Quranic Research of Hawzah and University, Tehran Municipality, Collection of Studies in Religious Science, Methodology of Scientific Interpretation of the Quran, Foundation, and Principles, pp. ۱۱۳-۱۳۷, ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
۵. Akhwan Muqaddam, Zohra, Az Darya Be Asman: Usul Tafsir Quran Karim Bargirefte az Rivayat Ahl-eBaytt (A.S.) (From the Sea to the Sky: Principles of Quranic Interpretation Derived from the Narrations of the Ahlul Bayt (A.S.)), Imam Sadiq University, Tehran: ۱۳۹۳ SH (۲۰۱۴ CE).
۶. Aloosi, Sayyid Mahmood, Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani (The Spirit of Meanings in the Exegesis of the Great Quran and the Seven Oft-Repeated Verses), Dar al-Fikr, Beirut: ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۷ CE).
۷. As'adi, Mohammad at el., Asib-Shenasi-e Jarayanhaye Tafsiri (Study of Interpretive Approaches), Research Institute of Hawzah and University, Qom: ۲nd Edition, ۲۰۱۱ CE.
۸. Ashraf, Abul Hayat, Puri Kaiyanat Mahve Ibadat Hai (The Whole Universe Is Worshipping), Maktabah Balagh, Delhi: ۱۹۹۳ CE.
۹. Asrar Ahmad, Bayan al-Quran (Explanation of the Quran), Version Available in "Easy Quran and Hadith ۶,۲" Software, ۲۰۰۸ CE.
۱۰. Athari, Abdul Karim, Tafsir Urowah al-Wuthqa (Exegesis of the Firmest Handle), Al-Athariyah Library, Version Available in "Easy Quran and Hadith ۶,۲" Software, Gujrat: ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
۱۱. Awan, Ifikhar Ahmad, "Quran Majid Mein Atom Bomb Ka Tazkirah" ("Reference to the Atomic Bomb in the Noble Quran"), Abdul Wakil, Abu Ali, "Islam, Science, and Muslims", Ilm-o-Irfan Publishers (Collection of Articles), Lahore: ۲۰۰۹ CE.
۱۲. Azad, Abul Kalam Ahmed Mahir al-Din, Tarjuman al-Quran (Explanation of the Quran), Islamic Academy, Lahore: n.d.
۱۳. Babayi, Ali Akbar, Makatib-e Tafsiri (Schools of Quranic Exegesis on Interpretation), Research Institute of Hawzah and University, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books in Universities (SAMT), Tehran: ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۱۴. Babayi, Ali Akbar, Makatib-e Tafsiri (Schools of Quranic Exegesis on Interpretation), Research Institute of Hawzah and University, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books in Universities (SAMT), Tehran: ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۱۵. Babayi, Ali Akbar, Qava'id-e Tafsir-e Quran (Principles of Quranic Interpretation), Research Institute of Hawzah and University, Organization for the Study and Compilation of Humanities Books in Universities (SAMT), Tehran: ۱۳۹۴ SH (۲۰۱۵ CE).

۱۶. Baidawi, Qadi Abdullah bin Umar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil (The Lights of Revelation and the Secrets of Interpretation), Edited by Mohammad Abdul Rahman al-Mar'ashli, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۸ AH (۱۹۹۸ CE).
۱۷. Darwish, Mahyi al-Din, I'rab al-Quran wa Bayanuh (Grammatical Analysis and Explanation of the Quran), Dar al-Irshad, Syria: ۴th Edition, ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۴ CE).
۱۸. Dehkhoda, Ali Akbar, Lughat-Nama Dehkhoda (Dehkhoda's Dictionary), University of Tehran, Tehran: ۲nd Edition, ۱۳۷۷ SH (۱۹۹۸ CE).
۱۹. Fakhr Razi, Abu Abdullah Mohammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb (Keys to the Unseen World), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۲۰. Fakir-e-Maybodi, Mohammad, Qawa'id al-Tafsir lada al-Shia wa al-Sunna (Principles of Interpretation According to Shia and Sunni), International Institute for Islamic Studies Reconciliation, N.p.: ۱۴۲۸ AH (۲۰۰۷ CE).
۲۱. Haluk Nur Bakı Tarki, Qurani Ayatort Sciensiu Haqaiq (Quranic Verses and Scientific Facts), Translation: Sayyid Mohammad Firoz Shah, Lucknow: Abbas Book Agency, ۲۰۰۲ CE.
۲۲. Hamdani, Sayyid Mohammad Kamal al-Din Hossein, Quran aur Ilm al-Aflak (The Quran and Astronomy), Muzaffar Nagar UP: Rang Mehal Publications, ۱۹۸۷ CE.
۲۳. Ibn Faris, Abu al-Hussein Ahmed bin Zakariya, Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Metrics), Edited by Abdul Salam Mohammad Haroun, Islamic Preaching Office of Qom Seminary, Qom: ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۲۴. Karimpour Qaramalki, Ali, Daramadi bar Tarikh-e Tahqiqi-ye Tafsir-e Ilmi (Introduction to the Analytical History of Scientific Exegesis), Udaba Publications, Qom: ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۲۵. Kermani, Mohammad Riyaz, "Quran and Science: A Glimpse", Abdul Ali and Zafar al-Islam, "Quran and Science Seminar Articles", Department of Islamic Sciences, Aligarh University, pp. ۲۰-۴۵ Collection of Articles), ۲۰۰۳ CE.
۲۶. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, and Erfani, Mohammad Nazir, review of the scientific miracles of the Quran from the point of view of Dr. Tahir al-Qadri, ", Quran and Science Journal, Volume ۱۱, Number ۲۰, September ۲۰۱۷.
۲۷. Khan, Sir Syed Ahmed, Tafsir al-Quran (Exegesis of the Quran), Lahore: Dost Associates Al-Karim, Urdu Bazar Market, n.d.
۲۸. Khoei, Sayyid Abul Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (An Expalanation in the Exegesis of the Holy Quran), Dar al-Zahra, Qom: ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۸ CE).
۲۹. Maiman, Mohammad Anwar, Quran Ke Scienci Iktashafat (Scientific Discoveries of the Quran), Idara Isha'at Islam, Karachi: ۲۰۰۳ CE.
۳۰. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir-e Namuneh (Exemplary Exegesis), Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۳۱. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Al-Tamhid fi Ulum al-Quran (Introduction to the Sciences of the Quran), Islamic Publication Office, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۱۵ AH (۱۹۹۴ CE).
۳۲. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Ma'arif Quran (Sciences of the Quran), Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: ۱۳۷۸ SH (۱۹۹۹ CE).
۳۳. Motahhari, Morteza, Nabuwat (Prophethood), Sadra Publications, Tehran: ۱۳۶۹ SH (۱۹۹۰ CE).



۳۴. Mujahid Hossein, Sir Syedshenasi: Mubalaghah wa Mughaltaa (Sir Syed Ahmad Khad Studies: Exaggeration and Excessiveness), Lahore: Shafaq Press, ۲۰۱۷ CE.
۳۵. Nadwi, Mohammad Razi-ul-Islam, "Ayat Qurani ke Sayensiu Ta'bir wa Tashrih: Khatarat or un ka Tadaruk (Scientific Interpretation and Analysis of Quranic Verses: Threads and Their Solution)", Abdul Ali and Zafar al-Islam, "Quran or Science Maqalat (Quran and Science Seminar Articles)", ۲۰۰۳ CE, Department of Islamic Sciences, Aligarh University, pp. ۴۶-۶۵ (Collection of Articles), ۲۰۰۳ CE.
۳۶. Nadwi, Mohammad Shahabuddin, Quran Hakim aur Ilm-e Nabatat (The Wise Quran and the Science of Plants), Farqoniyah Academy Trust, Bangalore: ۱۹۹۰ CE.
۳۷. Nasr, Seyyed Hossein, Naqd-e Nazariyya Takamuli Darwin (Critique of the Theory of Evolution), Roshd-e Amuzesh-e Ma'arif-e Islami Journal, No. ۷۲, Spring ۲۰۰۹ CE.
۳۸. Nishaburi Qumi, Hassan bin Mohammad, Tafsir Gharai'b al-Quran wa Ragha'ib al-Furqan (Exegesis of the Peculiarities of the Quran and the Marvels of the Criterion), Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۵ CE).
۳۹. Rafiei Mohammad, Nasser, Sair-e Tadvin va Tatavvur-e Tafsir Ilmi Quran (Study of Compilation and Development of Scientific Exegesis of the Quran), World Center for Islamic Sciences, Qom: ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۴۰. Rafiei Mohammad, Nasser, Tafsir Ilmi Quran (Barresi Sair-e Tadvin va Tatavvur) (Scientific Exegesis of the Quran: Study of Compilation and Development), Farhang Gostar Publications, in collaboration with the Cultural Deputy of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: ۱۳۷۹ SH (۲۰۰۰ CE).
۴۱. Raghieb Isfahani, Abu al-Qasim Hussein bin Mohammad, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran (Lexicon of Quranic Uncommon Words), Dar al-Am - Dar al-Shamiyyah, Damascus - Beirut: ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۴۲. Rajabi, Mahmoud, Ravish-e Tafsir-e Quran (Method of Quranic Exegesis), Research Institute of Hawzah and University, Qom: ۲nd Edition, ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).
۴۳. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Daramadi bar Tafsir Ilmi Quran (Introduction to the Scientific Interpretation of the Quran), Uswa, Qom: ۱۳۷۵ SH (۱۹۹۶ CE).
۴۴. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Mantiq-e Tafsir-e Quran (1); Mabani va Qavayed-e Tafsir-e Quran (The Area of Quranic Exegesis: Foundations and Principles), Al-Mustafa International University, Qom: ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۴۵. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Mantiq-e Tafsir-e Quran (2); Raveshha va Garayishaye Tafsiri (The Area of Quranic Exegesis, Methods and Trends), Al-Mustafa International University, Qom: ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۴۶. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Ulum-e Quran (2); Ejaz-e Quran dar Ulum-e Tabi'i va Ensani (Miracles of the Quran in Natural Sciences and Humanities), International Center for Translation and Publication of Mustafa, Qom: ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۴۷. Sardar, Zia al-Din, "Between Two Masters", Ayat Quarterly Journal, Volume ۱, Number ۲, Aligarh, pp. ۳۰-۴۹, ۱۹۹۰ CE.
۴۸. Suyuti, Jalal al-Din, Al-Durr al-Mansur fi Tafsir al-Quran (The Scattered Pearl in the Exegesis of the Quran), Ayatollah Mara'shi Najafi Library, Qom: ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۳ CE).
۴۹. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in the Exegesis of the Quran), Islamic Publication Office of Qom Seminary Teachers Association, Qom: ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).

۵۰. Tabrasi, Fadhl bin Hassan, Tafsir Majma al-Bayan li Ulum al-Quran (Exegesis of the Compilation of Elaborations on the Sciences of the Quran), Al-A'lami Publishing Institute, Beirut: ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
۵۱. Tusi, Mohammad bin Hassan, Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Clarification in the Exegesis of the Quran), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: n.d.
۵۲. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, Al-Kashshaf an Haqaiq al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil (The Unveiling of the Realities of Revelation and the Springs of Interpretations in Various Aspects of Interpretation), Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ۳rd Edition, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۶ CE).